فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و سه. تابستان ۱۳۹۸، صص۶۹-۵۳ Vol 3. No 33. 2019, p 53-69
شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸) ISSN: (2538-6395)

مصونیت دیپلماتیک و کنسولی و قواعد حاکم بر آنها

محسن جلیلی پیرانی
کارشناس ارشد حقوق جزا وجرم شناسی

چکیده

از بخش‌های با اهمیت تشکیلات دیپلماتیک و روابط بین المللی، سفارت خانه‌ها وکنسولگری‌ها هستند این دو مورد را می‌توان ستونهای روابط دیپلماسی وکنسولگری حکومتها در خارج از پایتختشان به حساب آورد. سفارت نمایندگی دائم یا موقت یک کشور در کشور دیگر می‌باشد. گاهی اوقات محل اقامت سفیر یا نمایندگان دولت‌های خارجی در داخل سفارت آن کشور قرار دارد. کنسولها مانند دیپلمات‌ها، نماینده کشور خود در کشور دیگر هستند. ولی برخلاف دیپلماتها، حوزه فعالیت آنها مربوط به روابط سیاسی بین دو کشور نیست بلکه شامل امور غیر سیاسی: از جمله صدور گذر نامه و ویزا، مراقبت از منافع بازرگانی و کشتیرانی کشور خود و غیره است. کنسولگری‌ها علاوه بر پایتخت کشورها در شهرهای استان‌های کشورها نیز حضور دارند. بنابراین محل استقرار سفارتخانه‌ها وکنسولگری‌ها در خاک کشور دیگری می‌باشد. به همین لحاظ است که گفته می‌شود نمایندگانی که از سوی یک کشور به کشور دیگری فرستاده می‌شود باید در امان بوده واز مصونیت برخوردار باشد تا بتواند بدون هیچگونه هراسی نسبت به اینکه مورد تجاوز وحمله قرار گیرد وموضوعاتی از این قبیل فعالیت خود را انجام دهد.

واژه‌های کلیدی: سفارت خانه، روابط سیاسی و کنسولی، خاک، سفیر وسرکنسولگر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

از دیرباز دولت‌ها به دنبال این بودند که بتونند روابط خود با همدیگر را گسترش دهند و به دنبال راه و چاره‌ای بودند تا بتوانند به این هدف خود دست یابند. بنابراین دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که نمایندگانی از کشور خود به کشور دیگر بفرستند و با مستقر کردن آنها به همراه خانواده شان و کادر مورد نیاز در کشوری که قصد ارتباط با آن را داشتند زمینه این روابط را هموار سازند. به طور معمول دولت‌ها بافرستادن نمایندگان خود به دنبال اهدافی بودند که این اهداف از دوحالت خارج نبود. یا به دنبال این بودند که روابط سیاسی خود را گسترش دهند که در چنین حالتی هیئت دیپلماتیک را ارسال می‌کردند و هنگامی که درصدد گسترش روابط غیر سیاسی بودند کنسولها را به کشوری که قصد توسیع روابط خود با آن را داشتند می‌فرستادند.

اما برای اینکه این نمایندگان بتوانند فعالیت خود را به نحو احسن انجام دهند نیازند یکسری اقدامات توسط دولتها بود. به همین دلیل دولتها تصمیم گرفتند که سفارتخانه‌ها و کنسولگریها را برای استقرار نمایندگان تشکیل دهند تا نمایندگان ارسالی دیگر دغدغه مسکن و ماوا نداشته باشند. علاوه براین دولتها نیز با همدیگر توافقاتی را انجام دادند تا نمایندگان ارسالی از هرگونه تعرض و تجاوز در امان باشند لذا مصونیتها را ایجاد نمودند. چنین توافقاتی که بین دولتها صورت گرفت در سال ۱۹۶۱ دروین منجر به انعقاد معاهده ۱۹۶۱ وین در خصوص روابط سیاسی شد. دوسال پس از انعقاد این عهدنامه یعنی در سال ۱۹۶۳ به دنبال تشکیل کنفرانسی از سوی سازمان ملل متحد در وین، کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی را به وجود آوردند. اما مسئله از این قرار است که اگر چه کشورها با همدیگر توافق نموده اند که سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و مصونیت‌ها را ایجاد کنند اما ایجاد موارد فوق باعث شد مسائل جدیدی به وجود آید از جمله اینکه آیا ایجاد موارد فوق در اصل سرزمینی که برکشورها حاکم است تاثیری گذاشته است و سایر مسائل از این قبیل.

مادر این مقاله پس از اینکه شرح مختصری از صلاحیت سرزمینی و مستثنیات آن را اشاره نمودیم به دنبال این هستیم که توضیح دهیم اولا سفارتخانه‌ها وکنسولگری‌ها جز خاک کدام کشور محسوب می‌شوند. (کشور فرستنده یا پذیرنده) ثانیا مطابق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم در قلمرو ایران رادارند آیا این قاعده در خصوص هیئت دیپلماتیک وکنسولها نیز رعایت می‌شود. ثالثا مصونیت از تعقیب کیفری شامل چه کسانی می‌شود.

هر دولتی حق دارد نسبت به جرایمی که علیه نظم عمومی، امنیت و استقلال و منافع حیاتی و اقتصادیش صورت می‌گیرد، اعمال صلاحیت کند. این اصل که به اصل صلاحیت حمایتی معروف است در غالب قوانین جزایی کشورها از جمله ایران، موجود است. توجیه این گونه صلاحیت، شدت مخاطره و صدمه ای است که متوجه نظم عمومی وامنیت ومنافع یک کشور می‌شود. باتوجه به این مطلب به بررسی صلاحیت می پردازیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

صلاحیت

صلاحیت جنبه خاصی از حاکمیت است وحاکمیت عبارت است از توانایی عمومی حقوقی دولت. صلاحیت به قدرت دولت بر اشخاص، اموال وامور دلالت دارد. این قدرت ممکن است جنبه قانون گذاری بر افراد- اموال وامور داشته باشد ویا جنبه اجرایی مانند توقیف اشخاص و اموال و رسیدگی به دعاوی توسط محاکم (اکهرست، حقوق بین الملل نوین، صص۲۷۶-۲۷۸).

باید بین اعمال قدرت اجرایی و اعمال قدرت قضایی (صلاحیت محاکم) تفکیک قائل شد: زیرا اگر در کشوری جرمی اتفاق بیفتد، نباید اصل سرزمینی بودن جرم، دادگاه کشور مربوط صالح برای رسیدگی به آن جرم است، ولی پلیس آن کشور نمی‌تواند مثلا وارد خاک کشور همسایه شده مجرم را دستگیر و برای محاکمه به کشور خود بیاورد. بلکه در این امور باید از مقامات کشور همسایه تقاضای استرداد متهم را بنماید. اما صلاحیت در حقوق جزای بین الملل چنین تعریف می‌شود: شایستگی و قابلیت اعمال قوانیین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرایمی که درداخل یا خارج از کشور ارتکاب می‌یابد. بنابر این این تعریف دارای دو قسمت می‌باشد: قسمت اول که جرم در قلمرو حاکمیت یک کشور واقع شده است (صلاحیت سرزمینی) و قسمت دوم که قابلیت اعمال قوانین جزایی در مورد جرایم ارتکابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور می‌باشد. به طور کلی می‌توان بیان داشت که حقوق جزای بین الملل دارای دو هدف عمده می‌باشد:

۱-هیچ مجرمی بدون مجازات نماند.

۲- هیچ مجرمی دوباره مجازات نشود (پور بافرانی، ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین الملل، شماره ۱۲، ص۱۷۴).

در خصوص صلاحیت‌ها باید اذعان داشت که علاوه بر صلاحیت سرزمینی در کشورها معمولا صلاحیت‌های دیگری وجود دارد که صلاحیت سرزمینی را گسترش می‌دهد از جمله صلاحیت واقعی، شخصی و غیره. لذا از آنجاکه موضوع مورد بحث ما صلاحیت سرزمینی است و به دنبال بررسی صلاحیت سرزمینی هستیم از توضیح دادن سایر صلاحیت‌ها خودداری می‌کنیم و صلاحیت سرزمینی را شرح می‌دهیم.

صلاحیت سرزمینی

مهمترین و اساسی ترین اصلی که در اجرای قوانین کیفری وجود دارد اصل صلاحیت سرزمینی است که تقریبا مورد قبول تمامی کشورها قرار گرفته است.

مهمترین توجیهات برای اصل صلاحیت سرزمینی عبارت‌اند از: ۱- عادلانه بودن - بدین معنا که محل ارتکاب جایی است که جرم آثار خود را بر جای گذاشته است، امارات و شهود به طور کامل در این محل وجود دارد و با اعمال این اصل هم از محو آثار جلوگیری می‌شود و هم هزینه‌های رسیدگی به حداقل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

می‌رسد و با مراجعه مستقیم به شهود و بررسی ادله، اقناع وجدان قاضی نیز بهتر و دقیق‌تر حاصل می‌شود و در نتیجه حکم صادره به عدالت نزدیک تر است.

۲- سازگاری با اهداف مجازات‌ها- با اعمال اصل صلاحیت سرزمینی، می‌توان به تمامی اهداف مجازات‌ها از قبیل عبرت انگیزی، ارعاب، تشفی خاطر بازماندگان و پیشگیری از جرم دست یافت.

۳- اقتضای حاکمیت دولت-دولت به تنهایی مامور حفظ نظم در درون مرزهای خود است و نقض اوامر و نواهی دولت، تجاوز به حاکمیت، اقتدار واعتبار دولت است و مجازات نقض این اوامر و نواهی الزاما با همان دولت است (معتمد، حقوق جزای عمومی، ص ۱۸۶).

اصل صلاحیت سرزمینی موجد اثار مهمی است که اهم آنها عبارت اند از: ۱- محاکم کیفری دولت در کیفر دادن به جرمی که در قلمرو آنها صورت می‌گیرد دخالت می‌کنند یعنی نسبت به تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمان اقدام مقتضی انجام می دهند.

۲- در اجرای این اصل فقط قوانین داخلی قابل اعمال است.

۳- ملیت مجرم در تعقیب ومحاکمه موثر نیست، به دیگر سخن هر کس مرتکب جرم شود مورد تعقیب قرار می گیرد، اعم از اینکه تبعه‌ی همان کشور باشد یا از اتباع خارجی.

۴-در صلاحیت سرزمینی به شرایط واقعه حقوقی که در خارج رخ داده است هیچ توجهی نمی‌شود، مثلا اگر مجرم پس از ارتکاب جرم به خارج گریخته و در آنجا مجازات شود یا برائت حاصل نماید برای محاکم داخلی حق محاکمه ومجازات مجدد محفوظ است و نیز در صورت محکومیت مجرم در خارج، حکم دادگاه خارجی در کشور قابل اعمال نیست.

منظور از قلمرو حاکمیت ایران وسعتی است که به مرزهای زسمی ایران محدود می شود اعم از مرز زمینی، دریایی یا فضای بالای آنها که دولت در آنها اعمال حاکمیت می‌کند. مرزهای هوایی کشور محدود می‌شود به پایین لایه جوی ومرز دریایی نیز محدود به مرزهای دریایی می‌شود وفراتر از مرزهای دریایی آبهای آزاد می‌باشد و بالای لایه جوی نیز جزء مرزهای هوایی کشور نمی‌باشد و در حکم آبهای آزاد می‌باشد، اعمال صلاحیت دولت بر اموال، اشخاص وامور واقعه در سرزمین خود، در حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است. در بریتانیا صرف حضور فیزیکی شخص یا شئ در آن کشور برای جلب صلاحیت کفایت می‌کند، بدون اینکه نیازی به اقامت باشد. بنابراین به موجب اصل صلاحیت گذرا، چنانچه شخصی در حال عبور از سرزمین بریتانیا باشد، می‌توان با ابلاغ اوراق قضایی به او، وی را در دادگاه بریتانیا تحت محاکمه قرار داد. بسیاری از کشورها از جمله ایران نظریه سرزمینی صلاحیت کیفری را پذیرفته اند.

کشور محل جرم بیش از هرکشور دیگری برای رسیدگی به جرم صلاحیت دارد، نه تنها از حیث اینکه نظم اجتماعی او مختل شده بلکه از حیث جمع آوری ادله ومبارزه با جرم، اعم از اینکه جرم به وسیله اتباع داخلی یا بیگانگان ساکن یا مقیم در کشور ارتکاب شده باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ماده ۳ قانون مجازات اسلامی اصل سرزمینی را پذیرفته است و اشعار می‌دارد: قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

پس از اینکه به شرح مختصری از صلاحیت سرزمینی پرداخته شده باید گفت همانطور که دولتها به دنبال گسترش صلاحیت خود هستند از طرف دیگر مواردی وجود دارد که صلاحیت سرزمینی را مستثنی کرده واعمال چنین صلاحیتی را معاف می دارد. در ذیل به شرح برخی از این استثنائات می پردازیم.

معافیت از صلاحیت سرزمینی

طبقات زیر دارای مصونیت از صلاحیت سرزمینی هستند:

الف: دولتها وروسای دولت‌های خارجی

ب: نمایندگان سیاسی وکنسولهای دولتهای خارجی

ج: کشتی های دولتی کشورهای خارجی

د: نیروهای مسلح دولت‌های خارجی

مصونیت دیپلماتیک یا کنسولی مهمترین استثناء در قبال صلاحیت سرزمینی است، بدین معنا که نمایندگان دولت خارجی از اعمال قانون داخلی کشور پذیرنده مصونیت دارند. از این رو این نوع مصونیت ضمن در بر گرفتن مصونیت دولت با فرد حاکم طیف وسیعی از موضوعات را پوشش می‌دهد (سهرابی، ۱۳۸۳، ص ۸۶). همانطور که دربالا ذکر شده مهمترین استثنا بر صلاحیت سرزمینی مصونیت می‌باشد لذا ضروری است که این موضوع به صورت مختصر شرح داده شود.

در خصوص مصونیت باید گفت که مصونیت از قرن‌ها پیش در میان مردم وادیان به خصوص دین اسلام وجود داشت و نمایندگانی که به عنوان سفیر به کشورهای دیگر می‌فرستادند علاوه براین که از وظایفی را برعهده داشتند از آنها نیز مراقبت می‌کردند. به عنوان مثال یکی از نهادهای حقوق اسلامی امان یا زنهار یا افسار است. این تاسیس حقوقی در واقع معاهده مامونیت و مصونیت بیگانگانی است که قصدشان عبور از کشور اسلامی یا اقامت در آنجا بوده. بنابراین امان از سویی جواز عبور اقامت موقت در کشور اسلامی بوده (همان ویزا و روادید امروزی) واز سویی دیگر درخواست پناهندگی است.

بنابراین از مطالب فوق به دست می‌آید که افراد از قدیم الایام باهمدیگر روابطی را اگر چه به شکل امروزی نبوده اما داشته‌اند لذا برای اینکه نمایندگان در امان باشند راه حلی را هم ارائه کردند. پس مشخص می‌گردد مصونیت سابقه تاریخی دارد وبه مرور زمان احکام ومقررات آن به شکل امروزی ایجاد گردیده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مبنای مصونیت

منطق مصونیت یا به عبارت دیگر مبانی حقوقی، اهداف وعلت وجودی مصونیت چیست؟

در این باره سه نظریه مطرح است:

۱. نظریه برون مرزی: برخی از حقوق دانان از جمله گرسیوس، معتقدند که برخورداری ماموران دیپلماتک از مصونیتها ومزایای دیپلماتیک بر قاعده برون مرزی استوار است. به موجب این نظریه ماموران دیپلماتیک در طول مدت ماموریت مانند افرادی هستند که کشور خود را ترک نکرده و در خارج از قلمرو کشور پذیرنده حضور دارند ووظایف خود را در آنجا انجام می‌دهند. اماکن ماموریت نیز همین وضعیت را دارند وجزئی از قلمرو کشور فرستنده به شمار می‌آیند. این نظریه که مدتها در دکترین حقوق بین الملل مورد قبول بوده به تدریج مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت. پرفسور لویی کاواره نظریه ی برون مرزی را تصوری واهی بیش ندانسته و معتقد است که در صورت قبول این نظریه، بایستی این قاعده را نیز بپذیریم که تشریفات استرداد برای تحویل مجرم فراری در سفارت که در این نظریه قلمرو خارجی تلقی می‌شود ضروری به نظر می‌رسد، در حالی که عملا این طور نیست وتنها اجازه ی ساده رئیس ماموریت کافی است. کاواره همچنین اعتقاد دارد که قاعده برون مرزی به نتایج وآثاری مبهم، (مانند تولد در سفارت به منزله تولد در خارج از کشور و محل سفارت است) ویا خطرناکی منتهی می‌شود (مانند جنایتکاری که به سفارت فرار کرده مانند کسی است که به یک کشور خارجی پناهنده شده است در صورتی که این نوع پناهندگی غیر قابل قبول است)[1].

سرانجام نمی‌توان پذیرفت که در صورت وقوع جرم یا جنایت در داخل منزل مامور یا در محل سفارت، قوانین و مقررات کشور متبوع مامور، حاکم بر رفتار مجرم باشد. زیرا در آن صورت مقام صلاحیت دار برای رسیدگی به این جرم نیز دادگاهای آن کشور است در حالی که تنها مقام صلاحیت دار قضایی برای رسیدگی به جرایم ارتکابی در محل سکونت یا در محل کار ماموران، دادگاه‌های کشور محل ماموریت است.

۲- نظریه نمایندگی: دومین نظریه بر ویژگی نمایندگی ماموران دیپلماتیک وکنسولی استوار است. طبق این نظریه از آنجا که ماموران کشور فرستنده، نمایندگان آن کشور نزد کشور پذیرنده هستند، لذا از همان

۱- در خصوص مسأله پناهندگی در یک سفارت ومصونیت سفارتخانه ها دو صورت قابل تصور است الف : شخص پناهنده مرتکب جرم عمومی شده است که در این حالت مقامات سفارت یا اورا به پلیس محلی تحویل داده ویا به پلیس محلی اجازه می دهند تا به داخل سفارت آمده ومجرم را دستگیر کنند. ب : شخص پناهنده مرتکب جرم سیاسی شده است که در این جا گروهی ورود به داخل سفارت را در مواقعی که اعمالی غیر از اعمال مربوط به وظایف دیپلماتیک انجام می شود درست می دانند وبرخی مخالف آن هستند. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه‌ی هایا دو لاتوره میان کلمبیا و پرو اعلام می دارد که کسی که به عنوان پناهنده در سفارت خانه ای پناه می گیرد در واقع در سرزمین کشوری است که او در آنجامرتکب جرم شده واعطای پناهندگی دخالتی است در امور داخلی کشور پذیرنده، چرا که چنین عملی، مامورین قضایی را از رسیدگی به اقدام ارتکابی مجرم باز می دارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مصونیت‌ها و مزایای کشورها نیز برخوردارند. مقدمه عهدنامه ۱۹۶۱ وین وماده ۳ همین عهدنامه، که به موجب آن یکی از وظایف ماموران دیپلماتیک را نمایندگی کشور فرستنده نزد دولت پذیرنده عنوان می‌کند مبتنی بر نظریه نمایندگی است.

۳- نظریه مصلحت یا منفعت خدمت: نظریه مصلحت یا منفعت خدمت دارای مفاهیم عملی نوینی است. به موجب این نظریه، برای اینکه ماموران دیپلماتیک در کشور محل ماموریت در شرایط خوب وبا استقلال کامل انجام وظیفه کنند، باید در حد وسیعی از آزادی عمل برخوردار باشند و این بهره مندی تنها با برخورداری از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک به دست می‌آید. طبق این نظریه مصونیت‌ها ومزایای دیپلماتیک تنها بر ضرورتهای مستقل اجتماعی خدمت دیپلماتیک، به ویژه بر مصلحت یا منفعت خدمت استوار است. در این نظریه، راه محدود کردن مصونیتها ومزایا هموار می گردد و از این طریق، میان نیازهای کشور فرستنده وحقوقی کشور پذیرنده موازنه ای برقرار می شود. پیشرو نظریه مصلحت یا منفعت خدمت را می‌توان بینکر شوک هلندی دانست.

بنابراین در خصوص مبنای مصونیت نظریه‌های مختلفی توسط حقوق دانان با استدلال‌های متفاوتی ارائه شده است. اما باید گفت که رویه بین المللی، پیرو اختلاط نظریات نمایندگی و مصلحت خدمت است و عهدنامه ۱۹۶۱ وین نیز به نوعی، همین دو نظریه را مبنای مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک قرار داده است به گونه ای که در مقدمه این عهدنامه آمده است، منظور از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک، بهره مند ساختن افراد نیست، بلکه هدف تامین اجرا ی موثر وظایف هیات‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگی کشورهاست. همچنین در عهدنامه ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولی نیز همین نظریه‌های اخیر پذیرفته شده است و مبنای مصونیت بر طبق نظریه‌های نمایندگی و مصلحت خدمت قرار داده اند.

مصونیت کیفری ماموران دیپلماتیک

چنانچه ماموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده مرتکب اعمالی گردند یا از انجام اعمالی خوداری ورزند که طبق قوانین داخلی آن کشور، جرم محسوب شود، آنان از هرگونه تعقیب، بازداشت، بازجویی، بازپرسی و بالاخره محاکمه معاف اند. در مورد جرایم خلافی رانندگی ماموران دیپلماتیک، بین کشورها اتنفاق نظر وجود ندارد و هر یک به نوعی عهدنامه ۱۹۶۱ وین را تعبیر و تفسیر کرده‌اند. برای مثال، وزارت امور خارجه آمریکا معتقد است که مصونیت کیفری مندرج در عهدنامه ۱۹۶۱، جرایم خلافی رانندگی را در بر نمی‌گیرد و ماموران پلیس ایالات متحده می توانند بار ارسال برگ جریمه مامور دیپلماتیک را به دادگاه خلاف احضار نمایند. ضمنا وزارت امور خارجه آمریکا این حق را نیز برای خود محفوظ می‌دارد که پلاک دیپلماتیک اتومبیل ماموری راکه عنصر نامطلوب شناخته شده است بردارد.

دیپلماتها، علاوه بر مصونیت از صلاحیت دادگاها، دارای مصونیت‌ها و امتیازات دیگری نیز هستند بنابراین ساختمان هیئت نمایندگی و اقامتگاه خصوصی دیپلماتیک از هرگونه تعرض مصون می‌باشند و ماموران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کشور میزبان مجاز نیستند بدون اجازه کشور فرستنده وارد محل‌های فوق شوند وباید اقدامات لازم را برای جلوگیری از صدمه زدن به آنها، اتخاذ کنند. از سوی دیگر ساختمان‌های هیات‌های دیپلماتیک جنبه برون مرزی ندارند و اعمالی که در آنجا صورت می‌گیرد در قلمرو دولت پذیرنده اتفاق می‌افتد نه در قلمرو دولت فرستنده و مجرمینی که در ساختمان هیئت دیپلماتیک پناه می‌گیرند. باید به پلیس دولت میزبان تسلیم گردند. همچنین کشور فرستنده، مجاز نیست افراد را در ساختمان‌های هئیت دیپلماتیک بازداشت و زندانی کند (مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، ۱۳۷۲، ص۹۹).

از آنجا که مصونیت به معنی عدم مسئولیت نیست بنابراین، مصونیت قضایی ماموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده انان را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت (بند ۳ماده ۳۱عهدنامه ۱۹۶۱ وین) این رو، بسیاری از کشورها در قوانین داخلی، موضوع تعقیب ما موران دیپلماتیک خود را پیش‌بینی کرده‌اند[۱] بنابراین به نظر نمی‌رسد که کشور فرستنده از آزادی عمل در قبال ماموران خود برخوردار باشد، تا جایی که بتواند حتی آنها را از تعقیب معاف دارد. بنابراین در صورت ارتکاب جرم توسط ماموران سیاسی به هیچ وجه نمی‌توان با آنها برخورد کیفری و قضایی انجام داد ودولت پذیرنده تنها می‌تواند آنها را به عنوان عنصر نامطلوب اعلام کرده و از قلمرو جغرافیایی کشور اخراج نماید.

مطابق مواد ۲۲ و ۳۰ کنوانسیون ۱۹۶۱ و کنوانسیونهای مشابه، اتومبیلهای متعلق به مأموریت و نیز مأموران دیپلماتیک از توقیف و بازرسی مصون است. موارد سوء استفاده مأموران دیپلماتیک از پلاک شخصی اتومبیل خود بسیار است. مثلا در نقاط ممنوعه و پارک ممنوع به علایم راهنمایی و رانندگی توجه چندانی نشان نمی‌دهند؛ زیرا می‌دانند عمل آنان جریمه و مجازاتی ندارد و این جریمه‌ها بایگانی و یا احیانا جهت اطلاع به دفتر نمایندگی ارسال می‌شود. تخلفات رانندگی از این قبیل در کشورهایی نظیر سوئیس و امریکا که در آنها معضل ترافیک وجود دارد بیشتر است. البته استفاده از اتومبیل، از مرحله تخلفات رانندگی فراتر رفته و از آن برای حمل کالاهای غیر قانونی و حتی اسلحه و یا فراری دادن برخی افراد استفاده شده است.

در ژانویه سال ۱۹۹۷ سفیر زئیر در شهر مانتون**(Menton)** جنوب فرانسه، در حین رانندگی با سرعت زیاد با دو جوان تصادف کرد که منجر به مرگ آنان شد. سفیر به دلیل برخورداری از مصونیت مورد تعقیب و توقیف قرار نگرفت ولی دولت زئیر او را فراخواند. اما مطبوعات فرانسه حملات خود را به دولت زئیر آغاز کردند و رئیس جمهور زئیر تحت فشار افکار عمومی فرانسه و مطبوعات از مصونیت سفیر صرف نظر نمود و سفیر نیز به فرانسه بازگشت تا خود را در اختیار مقامات قضایی فرانسه قرار دهد. بدیهی است واگذاردن مجنی علیه به حال خود به استناد مصونیت، ناعادلانه، خلاف حقوق بشر و تضییع حقوق زیان دیده به شمار می رود. از سوی دیگر نمی توان جبران خسارت مناسب از سوی دولت فرستنده را در کاهش بدبینی افکار عمومی نادیده گرفت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در مورد حوادث رانندگی، اقدامات شدیدی به عمل آمده است. بیمه های اجباری که ضررهای ناشی از آن تماما قابل پرداخت باشد، توقف و ضبط گواهینامه رانندگی، اخراج و انتقال در صورت تکرار تخلف و ارتکاب خلافهای مهم نظیر رانندگی در حین مستی، برخی از این اقدامات می‌باشند. در کشور سوئیس تا مالک اتومبیل از جمله اعضای مأموریت، تحت پوشش بیمه شخص ثالث قرارنگیرند، به آنان گواهی رانندگی یا پلاک ماشین واگذار نمی‌شود. به همین خاطر است که مطابق ماده ۷۸ کنوانسیون ۱۹۷۵ برخلاف کنوانسیونهای سابق برخود، دارا بودن بیمه شخص ثالث به هنگام استفاده از وسایل نقلیه، اجباری است.

مصونیت کیفری ماموران کنسولی

کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولی، تا حد زیادی وضع کنسولها را شبیه وضع دیپلماتها قرار داده است این امر نباید موجب شگفتی شود چون دولت‌ها به طور روز افزون خدمات سیاسی وکنسولی را ادغام می کنند. افرادی که درآن واحد هم به عنوان دیپلماتیک و هم کنسول عمل می کنند، دارای مصونیت دیپلماتیک می‌باشند. کنسولهایی که به عنوان دیپلمات عمل نمی‌کنند از بسیاری از مصونیت‌ها وامتیازات دیپلماتها برخوردار هستند. ولی فقط در رابطه با اعمال رسمی از صلاحیت مدنی یا کیفری دولت پذیرنده مصون می‌باشند. بنابراین ماموران کنسولی برخلاف ماموران دیپلماتیک به طور کلی در حصوص تعقیب کیفری مصون نیستند بلکه اگر درعمل رسمی خود دچار عمل مجرمانه ای شدند از مصونیت برخوردار نمی‌باشند. در غیر این صورت تحت تعقیب دولت پذیرنده قرار می گیرند. در ضمن این مصونیت جرایم مشهود ومهم را در بر نمی گیرد. (مواد ۴۱، ۴۲ و۴۳ عهدنامه ۱۹۶۳وین)

سوء استفاده اعضای خانواده نمایندگان سیاسی از مصونیت

هیچ یک از کنوانسیونهای حقوق دیپلماتیک، تعریفی از«خانواده» ارائه نکرده اند. کمیسیون حقوق بین‌الملل و کنفرانس ۱۹۶۱ نیز نتوانستند بر تعریف قابل قبولی دست یابند؛ زیرا خانواده، در واقع به وضعیت و موقعیت یک شخص بستگی دارد. ولی بطور معمول به کسانی که در خانه عضو نمایندگی زندگی می کنند، اعضای خانواده اطلاق می‌شود. در روابط میان دولتها در خصوص مصونیتهای همسر رئیس مأموریت یک اتفاق نظر بین المللی وجود دارد؛ بلکه رعایت آن از قواعد حقوق بین الملل عرفی به شمار می آید. همسر رئیس مأموریت از همان مصونیتها و مزایای زوج خود برخوردار است؛ اما نسبت به همسران سایر مأموران سیاسی، وحدت رویه وجود ندارد .در مورد فرزندان رئیس مأموریت، قاعده کلی آن است که از همان مصونیت مدنی و جزائی پدر برخوردارند؛ ولی در مورد سایر اعضای مأموریت و فرزندان آنان با قاعده ثابت بین المللی روبه رو نیستیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قاضی افنسن می‌گوید: سلامتی خانواده یک شخص، از حقوق اساسی هر انسان است که نه فقط حقوق بین الملل عرفی و قراردادی از آن حمایت می‌کند بلکه اصول کلی حقوق که مورد قبول ملل متمدن جهان است نیز مؤید آن است و احترام به خانواده جزء مکمل مصونیتها و مزایایی است که لازمه انجام وظایف به نحو اطمینان بخش است. به هر روی با آنکه اعضای خانواده رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک، وظیفه ای در مأموریت ندارند، لکن از مصونیتهایی چون مصونیت شخصی، مصونیت محل اقامت و اموال و مصونیت قضایی، برخوردارند.

تجاوز به عنف پسر یکی از دیپلماتهای عربستان سعودی در ویرجینیا نسبت به دختری شانزده ساله از نمونه‌های جرایم ارتکابی وابستگان مأموران دیپلماتیک است. پیشتر نیز اشاره شد که در گزارشی از ۱۴۷ جرم صورت گرفته متعلق به سالهای ۱۹۸۲ تا۱۹۸۸، ۳۰ مورد توسط خود دیپلماتها، ۶۰ مورد از سوی وابستگان آنها و ۵۷ مورد توسط سایر اعضای مأموریت دیپلماتیک صورت گرفته است.

ضمانت اجرای سوء استفاده از مصونیتها

سوء استفاده از مصونیت را باید یک استثنا در اعطای مصونیت به حساب آورد. لیک گسترش آن نگرانیهایی را در سطح داخلی و بین المللی به وجود آورده است. سوء استفاده ها خشم عمومی بسیاری از مردم را در پی داشته و این پرسش را مطرح ساخته که چرا برخی از انسانها با ارتکاب جرم و جنایت، مصون از تعقیب باشند و دادگاهها نتوانند در مورد آنان اقداماتی به عمل آورند و این با جامعه دمکراتیک ناسازگار است .از سوی دیگر به نظر می رسد مصونیت دیپلماتیک با عدالت و با بین المللی شدن حقوق بشر نیز در تعارض قرار گیرد.

چه کسانی از مصونیت کیفری برخوردار هستند

علاوه بر ماموران سیاسی[1] افراد ذیل نیز از مصونیت تعقیب جزایی برخوردارند:

۱. بستگان مامور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند. (بند ۱ ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

۲. کارمندان اداری وفنی ماموریت وهمچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم در آن کشور نباشند. (بند۲ ماده۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

۳. خدمه ماموریت به شرطی که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از ادای وظیفه خود. (بند۳ ماده۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

۱. ماموران سیاسی شامل آن دسته از کارمندان ماموریت می شود که سمت سیاسی (دیپلماتیک) دارند. (بند د ماده ۱ عهدنامه۱۹۶۱ وین)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۴. خدمتکاران شخصی اعضای ماموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم آن کشور نیستند، نمی‌توانند از مصونیت جزایی استفاده کنند مگر اینکه کشور پذیرنده مزایا و مصونیتهایی برای آنها قائل شود. (بند ۴ ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱وین)

۵. ماموران کنسولی. (عهدنامه۱۹۶۳ وین)

البته باید توجه داشت که ماموران سیاسی در صورتی از مصونیت کیفری برخوردارند که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند که در غیر این صورت، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض بهره مند خواهند بود. (بند۱ ماده۳۸ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

پس از اینکه توضیحات کامل در خصوص صلاحیت سرزمینی و مصونیت‌های کیفری ماموران دیپلماتیک و کنسولی و اماکن آنها داده شده است اکنون به طرح دو مسئله می پردازیم و با توجه به مطالب ذکر شده به دنبال ارائه پاسخ آنها می باشیم. اعطای مصونیت به نمایندگان دول به هدف تأمین اطمینان آنان در اجرای وظایف است و هدف، منتفع ساختن شخص آنان نیست. مصونیت به اعتبار مقام فرستنده برای آنان در نظر گرفته می‌شود. پاسداشت چنین امتیازی نشان از شخصیت و کرامت فرستنده داشته و هر گونه سوء استفاده از آن نیز لطمه به اعتبار مقامی است که او را به مأموریت برون مرزی فرستاده است. تعهدات متقابل دولتهای فرستنده و پذیرنده:

روابط دیپلماتیک میان دولتها بر اساس رضایت متقابل، تأسیس و برقرار می‌گردد. وجود چنین رابطه ای نشان از دوستی و علاقه مندی طرفین به توسعه و تحکیم روابط بین دو دولت و ملت دارد. مهم ترین نقش را در این باره نمایندگان سیاسی دو کشور ایفا می‌نمایند. آنان به طور رسمی نمایندگان دولت متبوع اند؛ ولی در واقع نمایندگان فرهنگ، ایده، آداب و رسوم سرزمین خویشند .چنانچه دولتی نماینده ای به یک سرزمین می فرستد، در مقابل، نماینده ای نیز می پذیرد. در هر نمایندگی، طرفین رابطه، دولت فرستنده **(sending state)**و دولت پذیرنده **(receiving state)** می باشند و در نمایندگی نزد سازمانهای بین المللی علاوه بر مقام فرستنده و پذیرنده دولت میزبان، سازمان بین المللی **(host state)** نیز وجود دارد که یک رابطه دیپلماتیک سه جانبه شکل می‌گیرد.

بی تردید رعایت و انجام تعهدات پیش بینی شده توسط دولتهای میزبان و فرستنده، آنها را در وصول به اهداف و مقاصد مشترک در روابط دو جانبه و نیل به همکاری‌های مشترک و فعال در زمینه دیپلماسی چند جانبه مساعدت خواهد نمود. نمایندگان دولت فرستنده در صورتی که دولت پذیرنده به تعهدات خود عمل نماید، خواهند توانست به طور مستقل و مطمئن به انجام وظایف بپردازند. در نقطه مقابل، رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده و عدم مداخله در امور داخلی از سوی اعضای نمایندگی در روابط دو جانبه از تیرگی و بحران روابط جلوگیری خواهد کرد و در دیپلماسی چند جانبه فعالیتهای آنان را با محدودیتها و تضییقات دولت میزبان مواجه نخواهد ساخت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران، می گوید: «مقررات و قواعد حقوق دیپلماتیک، در بردارنده رژیمی است که از یک سو تعهدات دولت پذیرنده را در مورد تسهیلات، مزایا و مصونیتها معین می‌نماید و از سوی دیگر پیش بینی‌های ممکن را برای مقابله با هر گونه سوء استفاده اعضای مأموریت در اختیار دولت پذیرنده قرار می‌دهد» (۴۰) بنابراین بین تعهدات و وظایف دولتین پذیرنده و فرستنده، توازن برقرار می گردد. چنانچه دولت پذیرنده متعهد به اعطای مصونیت است، دولت فرستنده نیز در مقابل موظف است قوانین و مقررات دولت پذیرنده و میزبان را رعایت نموده، از مداخله در امور داخلی آن پرهیز کند. دولت فرستنده در برابر رفتار و اعمال نمایندگان خود مسؤولیت دارد و حقوق بین الملل، این دولت را در موضع مسؤولیت نسبت به تمام اعمال نمایندگان خود که موجب ایراد ضرر به دولت میزبان یا اتباع او گردند، قرار می‌دهد.

در میان رفتارهای نمایندگان در کشور میزبان، دو اصل بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و در کلیه اسناد حقوق دیپلماتیک تکرار شده اند که عبارت اند از: اصل عدم مداخله و اصل احترام به قوانین و مقررات دولت میزبان. (۳) الف – اصل عدم مداخله :عدم مداخله در امور داخلی یک دولت، از اصول مسلم حقوق بین الملل و انعکاسی از اصل حاکمیت و برابری دولتهاست. هیچ دولتی بدون آنکه خود بخواهد، مداخله در امور داخلی خودرااجازه نمی‌دهد. نویسندگان حقوق بین الملل به تفصیل درمورداصل عدم مداخله، قلم فرسایی کرده اند. ولی به عدم مداخله نمایندگان دول که یکی از مصادیق اصل است به ندرت پرداخته‌اند. جانبداری از احزاب و گروه های سیاسی، نشر و توزیع مطبوعات مخالف، اتخاذ موضع در انتخابات، مشارکت در گردهماییها، انتقاد از سیاست داخلی و خارجی دولت میزبان و هر گونه اقدامی که نادیده گرفتن اصل حاکمیت تلقی گردد، از جمله موارد مداخله به حساب می آید.

اصل عدم مداخله نمایندگان دولتها، یک رویه عرفی و مقبول است. ولی از آنجا که امور داخلی کشورها تأثیر مهم و روزافزونی بر سیاست خارجی دارد، در موارد بی شماری این اصل با نیرنگ نادیده گرفته می‌شود، کمکهای مالی یا اقتصادی، یکی از انواع آن نیرنگهاست .دیپلماتهای کشورهای غربی و اروپایی با برانگیختن بی نظمی های داخلی، کمک به دسته‌های سیاسی خرابکار، انتشار تبلیغات پنهانی، آموزش نیروهای امنیتی و گاه شکنجه گران برای سرکوب شهروندان ناراضی، سابقه چشمگیری در مداخله در امور داخلی دیگر کشورها دارند. مداخله ۲۵ ساله امریکا در امور داخلی ایران، نمونه بارز نادیده گرفتن اصل عدم مداخله نمایندگان دولتها در امور داخلی کشورهاست. در قضیه سفارتخانه امریکا در تهران و شکایت دولت امریکا به دیوان، وزارت خارجه وقت ایران طی یادداشتی به دیوان از جمله اظهار داشت: در رسیدگی به این قضیه مداخله ۲۵ ساله دولت امریکا در ایران را نیز باید مدنظر قرار داد. موضوع دیگر در ارتباط با عدم مداخله، مرز بین مداخله و جاسوسی است. این موضوع چنان پیچیده است که دیوان بین المللی دادگستری در رأی ۱۹۸۰ خود در قضیه سفارتخانه ایالات متحده در تهران تشخیص بین جاسوسی و مداخله در امور داخلی را در عمل مشکل دانسته است .رعایت مصالح و امنیت دولت پذیرنده و حفظ نظام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حقوقی آن یک اصل خدشه ناپذیر و مقدم بر اصل مصونیت نمایندگان دول است. مطابق رویه قضایی کانادا؛ «هرگاه رفتار دیپلماتها، وضعیت امنیتی دولت پذیرنده را به مخاطره افکند، مصونیت آنان در برابر مصلحت اهم ساقط خواهد شد» (ابوالوفا: ۱۴۷؛ صدر: ۹۶) اصل حاکمیت، محوری ترین اصل از حقوق اساسی دولتهاست و چنانچه دولتی با اعطای مصونیتها محدودیتهایی را بر حاکمیت خود می پذیرد، عدم تعارض با عناصر اساسی حاکمیت را نیز رعایت خواهد نمود. ب – اصل احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده:

دیپلماتها به هدف نمایندگی از کشور متبوع خود و حفظ منافع این کشور و اتباع آن و نیز برای بسط روابط دوستانه و توسعه روابط فرهنگی، علمی و اقتصادی بین دو کشور فرستنده و پذیرنده، به آنجا اعزام می‌شوند. آنان متعهد به رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده اند. (ماده ۴۱ همان کنوانسیون). دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «هایادولاتوره» (۱۹۵۱) تصریح کرده است: بر نماینده سیاسی لازم است قوانین دولت پذیرنده را محترم بشمارد. احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده، لازمه منطقی اعطای مصونیتهاست و در سایه آن، امنیت و مصالح دولت پذیرنده تأمین می‌گردد. مصادیق احترام به قوانین و مقررات، متعدد و غیر قابل احصاست. ولی مهم ترین آنها عبارت‌اند از: احترام به مقررات بهداشت عمومی، دریافت پروانه رانندگی و رعایت مقررات مربوط به آن، عدم استفاده از اماکن مأموریت به نحوی که مغایر با وظایف باشد، احترام به مقررات مربوط به استفاده از مؤسسات عمومی و وسایل ارتباطی، عدم فعالیتهای تجاری و حرفه ای و غیره. بی اعتنایی به مقررات دولت پذیرنده در پناه مصونیت، روشن ترین تعریف سوء استفاده از مصونیت است. مصونیت نمایندگان دول در واقع اعطای اطمینان به آنان است، تا بدون مانع به انجام وظایف خود بپردازند.

نیک روشن است که سوء استفاده از مصونیتها نه تنها در تعارض آشکار با اهداف دیپلماتیک قرار می گیرد، بلکه بسا برهم زدن نظم داخلی و بین المللی را نیز به همراه داشته باشد. از نخستین پی آمدهای منفی چنین رفتارهایی محدود نمودن مصونیتهای مقرر خواهد بود. هم اکنون این بحث در سطح بین المللی و با سابقه بیشتر در داخل کشورها مطرح است که چرا برخی افراد در سطح بین‌المللی و داخلی در برابر جرایم ارتکابی، مسؤول شناخته نمی‌شوند؟ آیا این با حقوق بشر جهانی در تعارض نیست؟ برخی نیز این وضعیت و سؤال را با بیانی انتقادآمیز مطرح نموده و می‌گویند: مصونیت دیپلماتیک، خیلی چیزها را تحت پوشش قرار می دهد، اما نه عدم پرداخت ۴۰۰ هزار دلار اجاره بهای منزلی که هیئت نمایندگی زئیر در محله گران قیمت نیویورک اجاره کند و تحت پوشش دیپلماتیک از پرداخت آن سرباز زند. دادگاه، موجر را محق می‌داند؛ ولی به دلیل مصونیت اماکن مأموریت، هر گونه اقدام اجرایی را غیر ممکن می‌داند. هیأت نمایندگی مزبور نیز نه اجاره بها می پردازد و نه محل مورد اجاره را تخلیه می‌نماید. چه کسی مسئول جبران خسارتهای وارده به موجر است؟ آیا آنگونه که حقوق بین الملل از مصونیت دیپلماتیک حمایت می‌کند، دولتها نیز همانگونه از شهروندان خود حمایت می‌کنند؟ جرایم ارتکابی از سوی دارندگان مصونیت،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

منحصر در معضل اجاره بها نیست. جرایم این دسته، از تخلفات رانندگی گرفته تا قاچاق دارو، قتل و جرایم جنسی را در بر می گیرد. البته بسیاری از حوادث دیپلماتیک ممکن است از دید عموم مخفی بماند؛ زیرا انتشار آن، به روابط دیپلماتیک طرفین لطمه خواهد زد!

مسئله اول:

در صورتی که یک اصل کلی وجود دارد تحت عنوان صلاحیت سرزمینی پس چگونه ممکن است که یک دیپلمات ویا کنسولگر بتواند از این اصل مستثنی شود؟

در پاسخ باید گفت همانطور که در متن اصلی این مقاله آمده است بشر از زمان های کهن به دنبال ایجاد رابطه با همدیگر بوده اند تا بتوانند چیزهایی را که بدان احتیاج دارند رفع نمایند. پس از آنکه دولتها به وجود آمدند افراد در هر دولت نیز به دنبال راه حل و چاره‌ای برای تبادل اطلاعات وایجاد روابط در زمینه‌های مختلف باهمدیگر بوده اند. لذا تصمیم گرفتند سفارت خانه‌ها وکنسول گری ها را تشکیل وبا ارسال نمایندگانی از طرف خود روابط سیاسی وغیر سیاسی خود را با دولت‌های محل اسقرار سفارتخانه وکنسول گری گسترش دهند. بنابراین دولت‌ها در کنار همدیگر گرد هم آمدند و توافقاتی را در این خصوص از خود به جای گذاشتند که چنین توافقاتی در سال ۱۹۶۱در وین منجر به انعقاد عهدنامه۱۹۶۱ وین در رابطه با روابط سیاسی بین دولتها ودر سال۱۹۶۳ در وین سبب ایجاد عهدنامه ۱۹۶۳ در رابطه با روابط کنسولی بین دولت ها گردید. از طرف دیگر چون کشورهای بسیاری از جمله کشور ایران عهدنامه‌های فوق الذکر را قبول کردند وتعداد زیادی از دولت‌ها به این عهدنامه ها ملحق می شدند سبب شد که این عهدنامه‌ها حکم قانون بین المللی را به خود بگیرند و تمام کشورهایی هم که بدان ملحق شده موظف بودند که مقررات آن را رعایت نمایند در غیر این صورت با ضمانت اجراهای آنها مواجهه می‌شدند. یکی از اقداماتی که دولتها باید انجام بدهند مصونیت تعقیب کیفری ماموران دیپلماتیک و کنسولی می‌باشد. بنابراین اگر جرمی توسط این افراد صورت پذیرد امکان تعقیب کیفری آنها وجود ندارد و تنها دولتها می توانند آنها را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور خود اخراج کنند.

اما این به این معنا نمی باشد که فرد مجرم تحت تعقیب قرار نگیرد. بلکه چنین مجرمی توسط دولت فرستنده باید مورد تعقیب ومحاکمه قرار گیرد. چنین موضوعی در خصوص دولت ایران مستثنی نیست و اگر جرمی در سفارتخانه رخ بدهد وبزه دیده تابع کشور ایران باشد دلایل ومدارک جرم از طریق اداره حقوقی دادگستری به وزارت امور خارجه ارسال می گردد تا به کشور متبوع اعلام شود وکشور متبوع هم فرد متهم را تحت تعقیب قرار دهد.[1] بنابراین باید پذیرفت که صلاحیت سرزمینی همان طور که توسط صلاحیت‌هایی همچون صلاحیت شخصی وواقعی گسترش می یابد توسط مصونیت ها ومواردی از این قبیل محدود می گردد.

۱. نظریه مشورتی شماره ۴۵۷۶ تاریخ ۱۳۶۶/۰۷/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مسئله دوم:

آیا سفارتخانه‌ها وکنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده محسوب می‌شوند یا جزء خاک کشور پذیرنده؟ در پاسخ به مسئله مطرح شده باید گفت: اولا همان طور که در نظریه‌های مبنای مصونیت و عهدنامه‌های ۱۹۶۱ و۱۹۶۳وین آمده سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده محسوب نمی‌شوند و متعلق به کشور میزبان می باشند.

ثانیا به خاطر اینکه سفارتخانه‌ها وکنسولگری‌ها در خاک کشور دیگری قرار دارند اگر قرار بر این باشد که جزئی از خاک کشور فرستنده باشند نیاز به تصریح قانونگذار دارد درحالی که چنین موضوعی در هیچ عهدنامه ای ذکر نگردیده است. به عنوان مثال یک اصل کلی حقوق بین المللی وجود دارد مبنی براینکه کشتی‌هایی که پرچم یک کشور را حمل می‌کنند جزء خاک آن کشور محسوب می‌شوند و در صورت وقوع جرم در این کشتی ها، کشور صاحب پرچم صلاحیت رسیدگی را دارد اما چنین اصلی در خصوص اینکه سفارتخانه‌ها وکنسولگری ها جزء خاک کشور فرستنده باشند وجود ندارد.

ثالثا یکی از مصونیت‌های پیش‌بینی شده برای ماموران سیاسی و کنسولی مصونیت ارتباطات رسمی ماموریت می‌باشد اما در قسمتی از همین مصونیت آمده است نصب دستگاهای فرستنده رادیویی و استفاده از آنها منوط به اجازه کشور پذیرنده است. بنابراین باید گفت اگر قرار براین باشد که سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده باشند پس چه نیازی به موافقت دولت پذیرنده برای نصب دستگاهای فرستنده رادیویی واستفاده از آنها می‌باشد که همین موضوع نشان می‌دهد سفارت خانه‌ها وکنسولگری‌ها جزء خاک کشور میزبان می باشند.

رابعا یکی از موضوعات رایج حقوق بین الملل مسئله پناهندگی می باشد. اگر شخصی در کشور ایران مرتکب جرمی گردد و به کشور دیگری پناهنده شود در چنین حالتی امکان ورود افراد ایرانی به کشوری که فرد مجرم پناهنده شده است برای دستگیری وی وجود ندارد و تنها می‌توان از کشوری که مجرم به آن پناه برده است تقاضای استرداد مجرم را نماید. اما چنین مسئله ای در خصوص سفارتخانه ها وکنسولگریها مطرح نیست واگر مجرمی به سفارت خانه یا کنسولگری پناهنده شود ماموران کشور ایران می‌توانند با اجازه رئیس سفارتخانه یا کنسولگری وارد آن شوند ومجرم را دستگیر کنند. و دیگر نیازی به تقاضای استرداد مجرم نیست.

نتیجه‌گیری

نتایجی که از مقاله حاضر به دست می آید به شرح ذیل می‌باشند:

۱. همان طور که صلاحیت سرزمینی محدوده ارتکاب جرائم در قلمرو یک کشور را مشخص و دادگاه صالح برای رسیدگی را معین می‌کند از طرف دیگر توافقاتی بین المللی وجو دارند که این صلاحیت را دستخوش تغیراتی قرار داده وامکان اعمال صلاحیت سرزمینی را ممکن نمی‌داند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲. همان طور که در مباحث اصلی آمده است مصونیت کیفری ماموران دیپلماتیک نسبت به ماموران کنسولی دامنه وسیعتری رادر بر می‌گیرد. به عبارت دیگر ماموران دیپلماتیک تحت هر شرایطی امکان تعقیب کیفری آنها وجود ندارد و تنها می‌توان آنها را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور خارج کرد. در حالی که ماموران کنسولی در برخی جرایم همانند حالتی که جرم به صورت مشهود صورت می‌گیرد امکان تعقیب آنها توسط دادگاه محل کنسولگری وجود دارد.

۳. ماموران سیاسی وکنسولی اگر چه در دولت پذیرنده از مصونیت برخوردار هستند. امکان تحت تعقیب قرار گرفتن آنها توسط دولت فرستنده وجود دارد ودولت فرستنده ملزم است آنها را مورد تعقیب قرار دهد.

۴. سفارتخانهها وکنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده محسوب نمی‌شوند. به عبارت دیگر در مورد بحث جرایم ارتکابی در سفارتخانه‌ها وکنسولگری‌ها باید گفت که امروزه اعتقاد بر این است که سفارتخانه‌ها وکنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور میزبان است ورسیدگی به جرایم ارتکابی در سفارتخانه‌ها وکنسولگری هادر صلاحیت انحصاری کشور میزبان است و مصونیت اماکن و ماموران سیاسی و کنسولی ناشی از قرارداد های بین المللی می باشد. [۱]

۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم ودیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، زمستان ۱۳۹۲، صص۳۷-۳۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

۱- شمس ناتری، محمد ابراهیم ودیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، زمستان ۱۳۹۲.

۲- ضیایی بیگدلی، دکتر محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست وچهارم، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۸۵.

۳- پور بافرانی، حسن، ماهیت وانواع صلاحیت در حقوق جزای بین الملل، مجله مجتمع آموزشی عالی قم، شماره ۱۲.

۴- اکهرست، مایکل، حقوق بین الملل نوین، ترجمه آقایی، بهمن.

۵- میرزایی ینگجه، سعید: ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، چاپ اول، دفترمطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵.

۶- اسداللهی، مسعود: احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

ساجدی، احمد: سازمانهای جاسوسی دنیا، چاپ ششم، محراب قلم، ۱۳۶۶

۷- معتمد، محمد علی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

۸- سهرابی، دکتر محمد، حقوق بین الملل عمومی، سال ۱۳۸۳.

۹- مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، سال۱۳۷۲.

۱۰- نظریه مشورتی شماره ۴۵۷۶ تاریخ ۱۳۶۶/۰۷/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱۱- عهدنامه های ۱۹۶۱در خصوص روابط سیاسی و۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولگری.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]